

## دعوت از همه فعالین رادیکال و انقلابی جنبش زنان!

10.01.2012

طی دهه های اخیر، گرایشات رادیکال و انقلابی زنان اعم از سوسیال – فمینیست ها، رادیکال فمینیست ها، سوسیالیست ها و کمونیستها علیرغم فعالیت پیگیرانه در جنبش زنان عموماً فضائی مستقل برای بیان عقاید و ایده های خود نداشته اند.

جمع ما\* از گرایشات گوناگون چپ و کمونیستی زنان برآن شدیم تا فضا و مکان مناسبی برای بحث و گفتگو حول **افق و دورنما، پیشروی ها، ضعف ها و محدودیت های جنبش زنان** فراهم آوریم. با همکاری خود در این نشست، گرایش انقلابی و رادیکال درون جنبش زنان را تقویت کنید.

برای شرکت در بحث و گفتگو و ارائه سخنرانی با ارسال فشرده آن با ئی میل زیر تا تاریخ 10 فوریه 2012 با ما تماس بگیرید.

**زمان: جمعه 6 تا یک شنبه 8 آوریل 2012**

**مکان:**

**Jugendherberge Horner Rennbahn**

**Rennbahnstr. 100**

**22111 Hamburg**

**www.Jugendherberge.de/jh/hamburg-horn**

**با ما با این ئی میل تماس بگیرید: Zanane.chap@live.com**

**\*فراخوان:**

**زنان مبارز و انقلابی!**

به جرات می توان گفت که طی سی و دو سال حاکمیت جمهوری زن ستیز اسلامی زنان پویا ترین قشر اجتماعی بودند که بطور دائم علیه این رژیم مبارزه و مقاومت کرده اند. تمام عمرننگین جمهوری اسلامی با این تخاصم اجتماعی رقم خورده است و همه گروهها و احزاب و جریانات سیاسی و طبقاتی مختلف را مجبور به موضع گیری کرده است.

جناح فرمییست و محافظه کار جنبش زنان که دیدگاهها و منافع زنان طبقات مرفه جامعه را نمایندگی می کند، خواهان اصلاحاتی جزئی در قوانین جمهوری اسلامی است و آن را «راه» دستیابی زنان ایران به «آزادی و برابری» می داند.

اما گرایشات رادیکال و انقلابی زنان که از همان فردای 8 مارس 1357 پا به میدان مبارزه سازمانیافته علیه جمهوری اسلامی گذارند گام ابتدائی و اولیه در راه رهائی زنان را در سرنگونی کامل جمهوری اسلامی و جدائی قطعی دین از دولت می دانند. این جناح از جنبش زنان علاوه بر موضع گیری روشن در مورد اینکه رسیدن زنان به هیچ سطح از «آزادی و برابری» در

چارچوب جمهوری اسلامی ممکن نیست، در شرایطی که "دعوی" میان امپریالیسم و بنیادگرایی اسلامی صحنه سیاست جهانی را رقم می زد (و کماکان مولفه مهمی از اوضاع جهان است) با صراحت اعلام کرد که هر دوی این ها نماینده ی نظام های اجتماعی هستند که فرودستی زن و ستم جنسیتی بخشی لاینفک از آنان است و جنبش زنان باید مستقل از هر دو تکامل یابد و برای رهائی خود مبارزه کند.

تفاوت میان دو راه و دو افق و دو برنامه در جنبش زنان بخصوص در دهسال اخیر برجسته تر از هر زمان دیگر شده است. با این وصف هنوز توازن قوا به نفع گرایش رادیکال و انقلابی برهم نخورده است. این امر در شرایطی که جامعه ما می تواند بسرعت به سوی یک تعیین تکلیف سیاسی برود خطر مهمی برای جنبش رهائی زنان است. زیرا نیروهای بورژوائی جنبش زنان به طور قطع تلاش خواهند کرد انرژی مبارزاتی زنان ایران را دست مایه بازسازی نظام ستم و استثمار کهن در اشکالی نوین کنند.

مبارزه برای برهم زدن این توازن قوا کماکان در دستور کار ما است. اما دست یابی به آن در گرو حرکت متمرکزتر و تکاپوی بیشتر زنان کمونیست است. هر چند زنان کمونیست همواره هسته مرکزی و سازش ناپذیر و پیگیر گرایش رادیکال در جنبش را تشکیل داده اند، اما برنامه و افق کمونیستی در جنبش زنان آنچنان که باید پژواک نیافته و همواره در پس پرده قرار گرفته است. حال آنکه در زمینه رهائی زنان از قید ستم، کمونیسم رادیکال ترین فکر و تلاش تاریخ بشر بوده است. رهائی انسان از جهنم جامعه طبقاتی و رهائی کامل زن از قید ستم کاملاً به یکدیگر وابسته اند و این دو با رسیدن جامعه بشری به کمونیسم (که در آن نه از روابط سنتی مالکیت اثری است و نه از افکار سنتی) متحقق خواهند شد.

ما در آستانه دگرگونی های سیاسی و اجتماعی ناگزیری ایستاده ایم. بدون شک زنان نیروی اجتماعی بزرگ و تاثیر گذاری در تغییر و تحولات سیاسی آینده ایران خواهند بود. اما سوال اینجاست که به نفع چه طبقه و برنامه ای عمل خواهند کرد؟ آیا قادر خواهند بود برنامه، افقی و سمتی را در پیش بگیرند که منطبق بر رهائی کامل زنان باشد؟ آیا قادر خواهند بود تشخیص دهند که عمیق ترین منافعشان در دگرگونی انقلابی نظام سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ایدئولوژیک در ایران است؟

این مسئله به طور تعیین کننده ای وابسته به دخالتگری زنان کمونیست انقلابی در جنبش زنان است. دخالتگری نظری و عملی آنان می تواند در جابجایی تناسب قوای موجود در جنبش زنان نقش بالائی را ایفا کند و از این طریق بر کل صحنه سیاسی و صف آرائی طبقاتی در ایران تاثیر گذارد. باید با جدیت افق و برنامه کمونیستی در مورد امر رهائی زنان را شفاف کنیم و دست به تلاشی عظیم و جسورانه در فراگیر کردن آن بزنیم تا برنامه و افق کمونیستی تبدیل به قطب تاثیر گذاری در جامعه شود.

به جرات می توان گفت اگر کمونیسم واقعی تبدیل به قطب تاثیر گذاری در جنبش زنان نشود مبارزات زنان ایران برای رهائی کامل در نیمه راه مانده و حتی می توان گفت انرژی رها شده از این مبارزات دست مایه نوسازی نظام ستم و استثمار در اشکال جدید خواهد شد.

در شرایطی که توده های مردم بیزار از شکاف های طبقاتی و فقر و استثمار، ستم دینی و جنسیتی، رواج جهل و سنت های عقب مانده، بی حقوقی و ستم گری ملی، دست به اعتراض و شورش و مبارزه می زنند، افق و برنامه انقلاب کمونیستی می تواند خشم زنان را به نیروی قدرتمندی در راه سرنگونی جمهوری اسلامی تبدیل کند. این حرکت نه فقط در ایران بلکه در کل خاورمیانه و جهان گام مهمی در جهت رهائی بشریت بوده و مسیر حرکت مبارزات رهائی بخش را روشنائی خواهد بخشید.

اما بر کسی پوشیده نیست که گرایشات گوناگونی در میان زنان کمونیست هست. در نتیجه فرآیند شفافیت بخشیدن به افق و برنامه کمونیستی در زمینه مبارزه رهائی بخش زنان، ضرورتاً نیازمند دامن زدن به بحث و جدل و جوشش فکری است. برای فراگیر کردن دورنمای کمونیسم و دامن زدن به بحث در میان زنان رادیکال و انقلابی و کل جامعه، بر آنیم که کنفرانس هائی را به حول: جنبش رهائی زنان نیاز به کدام افق دارد؟ ساختار ستم بر زن در کارکرد نظام کنونی حاکم بر جهان چه جایگاهی دارد؟ مبارزه علیه آن در برنامه و افق کمونیستی چه جایی دارد؟ کدام پراتیک مشخص جهت بر هم زدن توازن قوای موجود در جنبش زنان مورد نیاز است. و ... سازماندهی کنیم.

( زمان و محل اولین کنفرانس در اطلاعیه ای جداگانه منتشر خواهد شد.)

29.10.2011

فریده رضائی، آذر درخشان، زمان مسعودی، صدیقه محمدی، ثریا فتاحی و لیلیا پرنیان

